گفت‌وگو
روح‌الله صالحی

در حالی که قرار بود سه هفته پس از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری افغانستان، نتایج نهایی آن اعلام شود با گذشت بیش از دو ماه افغانستان همچنان در بلاتکلیفی به سر می‌برد و خبری از اعلام نتایج نیست؛ اقدامی که به نظر می‌رسد، این بار هم پای امریکا در میان است تا فرمول خاص خود را در افغانستان پیاده کند. با طولانی شدن پروسه اعلام نتایج انتخابات ریاست جمهوری افغانستان که گفته می‌شود پرتقلب‌ترین دوره انتخابات در تاریخ این کشور بوده، نگرانی‌ها درباره شروع دور جدید اعتراضات سراسری افزایش یافته است. جدا از نتایج انتخابات، تأخیر در اعلام نتیجه آن، هزینه‌های روانی زیادی را برای مردم در پی خواهد داشت و می‌تواند بی‌اعتمادی افغان‌ها نسبت به مسئولان این کشور را تشدید کند. با توجه به وضعیت کنونی افغانستان و تلاش‌ها برای از سرگیری مذاکرات طالبان و امریکا که به باور برخی کارشناسان منتظر اعلام نتیجه انتخابات است، اگر نتواند ختم به خیر شود، چالش‌های بزرگی را برای افغانستان رقم خواهد زد. با توجه به اظهارات نامزدهای ریاست جمهوری به بروز تقلب گسترده در انتخابات اخیر، مقامات امریکایی تلاش می‌کنند تا فرایند اعلام نتایج را طولانی کنند تا شاید بتوانند نامزدهای اصلی را همچون سال ۲۰۱۴، برای دولت وحدت ملی راضی کنند اما این بار عبدالله عبدالله، رئیس اجرایی افغانستان حاضر به عقب‌نشینی نیست و گفته است که نتایج آلوده به تقلب انتخابات را نخواهد پذیرفت. با توجه به کاهش مشارکت مردمی در دور اخیر انتخابات و سهل‌انگاری دولت در اعلام نتایج آن، افق روشنی برای برون‌رفت از بحران سیاسی در این کشور وجود ندارد و ادامه بی‌ثباتی سیاسی می‌تواند به نفع طالبان و گروه‌های تروریستی باشد تا دامنه حملات خود در این کشور را تشدید کنند. سیدعیسی حسینی مزاری، مدیرمسئول خبرگزاری صدای افغان در گفت‌وگو با «جوان» می‌گوید: «الان بعید است مسئله انتخابات و تنش‌های آن به نتیجه برسد و ممکن است تا سال آینده طول بکشد و با تشکیل دولت موقت، باقی‌مانده‌های طالبان هم در ساختار قدرت سهیم شوند. اگر هم بحث طالبان مطرح نباشد خود جریان‌های سیاسی که در انتخابات دخیل هستند همه آنها مورد نظر امریکا نیستند و لذا جریان انتخابات را آنقدر طول می‌دهند تا همه طرف‌ها خسته شوند و در نهایت یک جریان باقی بماند تا امریکایی‌ها با مدیریت انتخابات، حاکمیت افغانستان را بار دیگر به دست بگیرند.»

گفت‌وگو با سیدعیسی حسینی‌مزاری، مدیرمسئول خبرگزاری صدای افغان

مذاکره امریکا با طالبان برای دوری آنها از ایران و روسیه است

بیش از دو ماه از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری افغانستان گذشته است، ولی نتایج آن هنوز اعلام نشده و برخی نامزدهای ریاست جمهوری از تقلب گسترده در این انتخابات خبر می‌دهند. دلیل تأخیر در شمارش آرای انتخابات چیست و بحث تقلبی که مطرح می‌شود، چقدر جدی است؟

بحث تقلب در انتخابات افغانستان همواره وجود داشته و مطابق نظر اکثر نامزدهای ریاست جمهوری این کشور، دور اخیر پرتقلب‌ترین انتخابات در افغانستان بوده است. امروزه در افغانستان امریکایی‌ها بیشتر امور را در اختیار دارند و سعی می‌کنند شرایط را به نفع سیاست‌های خودشان هدایت کنند، بنابراین در بحث تأخیر در اعلام نتایج انتخابات ریاست جمهوری، قطعاً خارجی‌ها به ویژه امریکا نقش دارند و یکی از دلایل تأخیر این است که طرف‌های حاضر در این انتخابات که مورد نظر واشنگتن نیستند مستأصل شوند و با طولانی شدن اعلام نتایج خسته شوند و نتوانند به نتیجه انتخابات اعتراض کنند. از طرفی، صلح با طالبان هم مطرح است، هر چند امریکایی‌ها درباره این گروه دیدگاه متفاوت‌تری دارند ولی اکثر کارشناسان معتقدند که این انتخابات پس از کش و قوس‌های زیاد درگیر روند صلح شود که نتایج انتخابات اعلام نشود و با همکاری خارجی‌ها، یک حکومت موقت آن هم در سال آینده ایجاد شود. الان بعید است مسئله انتخابات و تنش‌های آن به نتیجه برسد بلکه ممکن است تا سال آینده طول بکشد و با تشکیل دولت موقت، باقی‌مانده‌های طالبان هم در ساختار قدرت سهیم شوند. اگر هم بحث طالبان مطرح نباشد خود جریان‌های سیاسی که در انتخابات دخیل هستند همه آنها مورد نظر امریکا نیستند و لذا جریان انتخابات را آنقدر طول می‌دهند تا همه طرف‌ها خسته شوند و در نهایت یک جریان باقی بماند تا امریکایی‌ها با مدیریت انتخابات، حاکمیت افغانستان را بار دیگر به دست بگیرند.

شما گفتید که امریکا نقش مهمی در تأخیر اعلام نتایج انتخابات افغانستان دارد، با این وجود، امریکا در انتخابات اخیر به کدام یک از دو نامزد اصلی یعنی اشرف غنی و عبدالله عبدالله تمایل داشت؟

اگرچه امریکایی‌ها به صراحت این مسئله را اعلام نکرده‌اند اما جای شک نیست که حاکمیت فعلی افغانستان و اشرف غنی، رئیس جمهور این کشور با امریکایی‌ها مشکلی نداشته است و اخیراً هم به واشنگتن دعوت و در این مورد صحبت‌هایی انجام شده است. همچنین رفتن اشرف غنی به پایگاه بگرام و دیدار با دونالد ترامپ، رئیس جمهور امریکا بیانگر این است که اشرف غنی حتی حاضر است در کنار سربازان امریکایی و پشت سر ترامپ دست بسته بایستد. وقتی اشرف غنی با این وضعیت در پایگاه امریکایی‌ها حاضر می‌شود، فکر نمی‌کنم که این شخص برای امریکایی‌ها مشکلی داشته باشد.

با توجه به ادعای نامزدهای ریاست جمهوری به وجود تقلب، آیا نتیجه انتخابات هر چه باشد مورد قبول نامزدها به خصوص گلبدین حکمتیار و عبدالله عبدالله، قرار خواهد گرفت یا اینکه مثل ۲۰۱۴، باز هم شاهد اعتراضات سراسری در این کشور خواهیم بود؟ همچنانکه عبدالله گفته که اجازه تکرار حوادث دور قبل را نخواهد داد و حتی برخی کارشناسان افغان گفته‌اند که هزاره‌ها و عبدالله برای اعتراضات علیه نتایج انتخابات آماده می‌شوند؟

این مسئله بستگی به این دارد که نامزدهای ریاست جمهوری تا چه حد انسجام و چه میزان توان سازماندهی نیروهای طرفدار خودشان را در ولایات مختلف داشته باشند. اگر این انسجام در سطح گروه‌های سیاسی و شخصیت‌های مطرح افغانستان و همچنین مردم وجود داشته باشد و موج سنگین و سراسری ایجاد کند، قطعاً نه امریکا و هیچ کشور دیگری نمی‌تواند خواسته‌های خود را بر مردم افغانستان و جریان‌های سیاسی تحمیل کند. اما اگر این طرح و تاکتیک امریکایی‌ها و همچنین دولت اشرف غنی تأثیرگذار باشد و هدف مستأصل کردن دیگر نامزدها و طول دادن اعلام نتایج باشد، طبیعتاً دیگر نامزدها دستشان به جایی بند نخواهد بود و هیچ اقدامی نمی‌توانند انجام دهند و در نهایت فرد مورد نظر امریکا از داخل صندوق‌ها بیرون خواهد آمد و به عنوان رئیس‌جمهور آتی اعلام خواهد شد.

در صورت مخالفت نامزدها با نتایج انتخابات، آیا این بار هم امریکا وارد عمل خواهد شد. در صورت ورود چه نقشی ایفا خواهد کرد و آیا سایر نامزدها این میانجیگری را خواهند پذیرفت؟ احتمال تکرار سناریوی ۲۰۱۴ (تشکیل دولت توافقی) با توجه به موضع عبدالله چقدر است؟

در شرایط فعلی، وضعیت سال ۲۰۱۴ تکرار نخواهد شد. در آن دوره بیش از ۵۰ درصد مردم افغانستان در انتخابات ریاست جمهوری شرکت کرده بودند و تیم عبدالله عبدالله، با اکثریت آرا پیروز انتخابات شده بود و شخصیت‌های عمده مثل عطا محمد نور و امیر اسماعیل‌خان و دیگر شخصیت‌های تاجیک از عبدالله عبدالله حمایت می‌کردند و شرایط به گونه‌ای بود که اگر امریکایی‌ها مداخله نمی‌کردند، قطعاً عبدالله پیروز انتخابات می‌شد و این مسئله مورد نظر و خواست واشنگتن نبود. امریکایی‌ها از اعتراضات سراسری در افغانستان احساس خطر کردند و به این جمع‌بندی رسیدند که اگر عبدالله را ساکت نکنند به طور حتم، حاکمیت افغانستان از مدیریت امریکا خارج خواهد شد، اما الان چنین وضعیتی وجود ندارد. از یک طرف، نزدیک به ۲۰ درصد مردم در انتخابات اخیر شرکت کردند که کمتر از ۲ میلیون نفر بود. از طرفی، ساختارهای بین کاندیداها کاملاً متفاوت شده است و برخی شخصیت‌هایی که جنجالی بودند و در ایجاد بحران می‌توانستند نقش مهمی ایفا کنند مثل عطا محمدنور، فعلاً در صحنه سیاسی حضور فعالی ندارند و ممکن است که خطر پنج سال پیش برای امریکایی‌ها ایجاد نشود. از طرفی، امریکایی‌ها از سال ۲۰۱۴ برنامه‌ریزی کرده‌اند که این بار چگونه شرایط را مدیریت کنند و اینکه تا کنون نتایج انتخابات اعلام نشده، دقیقاً در همین راستاست که نامزدها را خسته بکنند تا نتوانند در ادامه به اعتراضات جدی متوسل شوند و امریکا مجبور نشود به آنها سهمی در قدرت افغانستان بدهد و با مشارکت آنها یک دولت توافقی تشکیل دهند.

دلایل کاهش میزان مشارکت مردم در انتخابات اخیر افغانستان چه بود؟

چند دلیل درباره مشارکت پایین مردم در انتخابات اخیر وجود دارد. دلیل اول، آماده نبودن مردم افغانستان برای حضور در انتخابات بود. چون که زمزمه بحث توافق صلح با طالبان مطرح بود و مذاکرات بین امریکا و این گروه در جریان بود و تقریباً تا روزهای آخر این مسئله مطرح بود و اکثر شخصیت‌های سیاسی بر این باور بودند که با این شرایط، انتخابات برگزار نخواهد شد و صلح امریکایی به نتیجه خواهد رسید و به همین خاطر، کمپین‌های قدرتمند در افغانستان به وجود نیامده بود. دومین مسئله، عملکرد بد و مدیریت ناکارآمد حاکمیت فعلی افغانستان در برآورده شدن خواسته‌ها و مطالبات مردمی بود. مردم افغان از اعمال ناشایست دولت و دروغ‌های بزرگی که از سوی عبدالله عبدالله و اشرف غنی مطرح شد، سبب شد تا اعتماد مردم نسبت به دولت از بین برود و مردم به این نتیجه رسیدند که در این دور از انتخابات هم یکی از دو طرف پیروز خواهد شد و اگر دوباره به هر یک از این افراد رأی بدهند، تاثیری در سرنوشت کشور به وجود نخواهد آمد. دلیل سوم، ناامنی‌های گسترده در سراسر افغانستان بود که باعث شد تا در بسیاری از نقاط کشور صندوق رأی در نظر گرفته نشود تا مردم بتوانند در انتخابات مشارکت کنند. این عوامل سبب شد تا میزان رأی‌دهندگان در انتخابات اخیر کاهش جدی داشته باشد.

از آنجا که میزان مشارکت در انتخابات اخیر، خیلی پایین بود، به نظر می‌رسد دولت برآمده از درون این انتخابات، مشروعیت لازم را نخواهد داشت و به نوعی دولت اقلیت خواهد بود. در انتخابات ۲۰۱۴ که نزدیک به ۵۵ درصد مردم مشارکت داشتند، مشروعیت دولت به پایین‌ترین سطح ممکن رسیده بود، با توجه به مشارکت پایین مردم در انتخابات اخیر، دولت آینده چگونه خواهد بود؟

خواست امریکایی‌ها همین بود که اولاً انتخابات ناموفقی برگزار شود و میزان مشارکت مردمی پایین باشد تا بدین ترتیب بتوانند از این مسئله بهره‌برداری بکنند و همچنین در آینده زمینه هر گونه مدیریت حاکمیت افغانستان توسط امریکایی‌ها فراهم شود.

اخیراً دونالد ترامپ دستور شروع دور جدید مذاکرات با طالبان را داده است و طالبان هم از این مسئله استقبال کرده است. ترامپ قبل از انتخابات گفته بود که به خاطر کشته شدن یک سرباز امریکایی به دست طالبان، مذاکرات را متوقف کرده ولی بعضی‌ها فرضیه دیگری را مطرح می‌کنند از جمله اینکه داخل دولت امریکا اختلافاتی درباره میزان امتیازهای داده شده به طالبان وجود داشت که باعث شد ترامپ مذاکرات را قطع کند. به نظر شما دلیل قطع مذاکرات چه بود؟

به نظرم، کشته شدن یک سرباز امریکایی بهانه‌ای بیش نبود، چون این نوع کشته‌ها چیز جدیدی نیست و تا به حال صدها نفر از نیروهای امریکایی در افغانستان کشته شده‌اند و هیچ گونه واکنشی از سوی امریکا انجام نشده است. امریکایی‌ها علاقه ندارند که به طالبان به عنوان یک وزنه سنگین سیاسی نگاه کنند و به طور واقعی با این گروه معامله کنند و طالبان هم از وزن و تلاش‌های مبارزاتی خود به اهدافش دست پیدا کنند و بتوانند در ساختار قدرت افغانستان سهیم شوند.

امریکایی‌ها تنها به دو دلیل سعی کردند با طالبان مذاکره کنند؛ یکی اینکه بتوانند از این طریق به اهدافشان در افغانستان دست پیدا کنند و بحث صلحی در کار نیست. حتی اگر کل نیروهای طالبان و دیگر گروه‌های تروریستی هم تسلیم امریکا شوند، این کشور حاضر نیست در افغانستان صلح برقرار کند. اینکه امریکایی‌ها در مقطعی متوجه شدند که طالبان به دامان روسیه و ایران سقوط خواهد کرد و اگر اقدامی نکنند و این گروه در اختیار مثلث روسیه، چین و ایران قرار بگیرد، شرایطی را ایجاد خواهد کرد که یک روزی علیه شوری سابق انجام شد. همانگونه که نیروهای شوروی در برابر نیروهای جهادی افغانستان تاب مقاومت نیاوردند و مجبور به ترک خاک این کشور شدند، امریکا هم در برابر طالبان و همچنین گروه‌های دیگری که مخالف حضور امریکا هستند، نمی‌تواند مقاومت کند و به شکل مفتضحانه‌ای افغانستان را ترک خواهد کرد. از این‌رو، دست به کار شده‌اند تا طالبان را از محور روسیه و ایران دور کنند و تحت کنترل خود بگیرند.

دلیل دیگر، این است که امریکایی‌ها به افغانستان نیامده‌اند که به راحتی این کشور را ترک کنند. امریکا وارد افغانستان شده است تا از آن به عنوان سکویی برای کنترل روسیه، چین، هند و ایران استفاده کنند و از افغانستان به این رقبا اشراف داشته باشند. در همین راستا، به گروه‌هایی نیاز دارد که بتواند برای ضربه زدن به منافع این چهار کشور استفاده کند. طالبان دیدگاه امریکایی‌ها را ندارند و بیشتر به دنبال تشکیل امارات اسلامی در افغانستان و حکومت بر این کشور هستند و مثل گروه تروریستی داعش و القاعده رویکرد منطقه‌ای ندارند که بر اساس سیاست‌ها و اهداف واشنگتن، علیه ایران یا روسیه وارد عمل شوند. بنابراین، امریکایی‌ها سعی دارند با مذاکرات با طالبان، اولاً این گروه را فریب دهند و ناتوان سازند و در درون طالبان اختلاف و انشعاب ایجاد کنند و برخی از سران این گروه هم ترور شوند تا به مرور طالبان از هم فروبپاشد و در نهایت امریکا زمام امور را به دست بگیرد. در نهایت، اگر افرادی هم از طالبان باقی ماند آنها را وارد صحنه سیاسی کرده و از جنگ و درگیری بیرون بکشند و در درون دولت وارد کنند و زمانی که صحنه سیاسی خالی شد، داعش را تقویت کنند تا بتواند بر نوار مرزهای شمالی و غربی افغانستان متمرکز شود تا علیه ایران و روسیه بهره‌برداری بکنند و بدین ترتیب سیاست‌های سخت و نرم علیه رقبایشان را اجرایی کنند. به همین خاطر، مقامات امریکا مذاکرات با طالبان را به دست گرفته‌اند تا به نتیجه مطلوب برسند. ولی طالبان باید حواسشان جمع باشد که امریکا نمی‌خواهد با این کیفیت وارد قدرت شوند و به راحتی در افغانستان امنیت برقرار و حاکمیت مستقلی تشکیل شود که طالبان بتوانند حکومت کنند در حالی که در افغانستان این مسئله محقق نخواهد شد. این در حالی است که کشورهای منطقه هم اجازه نخواهند داد تا امریکا به صورت انحصاری عمل کند و مردم افغان هم که طرف اصلی هستند خواهان این روند نبوده و مخالف سیاست‌های واشنگتن هستند. طبیعتاً امریکایی‌ها آنچه را که در باطن به دنبال آن هستند نمی‌توانند جامه عمل بپوشانند و بحران افغانستان به همین شکل کنونی ادامه خواهد یافت.

آیا دور جدید مذاکرات به نتیجه خواهد رسید یا اینکه مثل دور قبل در روزهای پایانی به شکست منجر خواهد شد. به خصوص که طالبان در بیانیه خود گفته که مذاکرات را از همان جایی که متوقف شده است، شروع خواهد کرد؟

این مذاکرات به این زودی به نتیجه نخواهد رسید، چون از یک طرف، در شرایط فعلی امریکا در سیاست‌های خود در افغانستان سردرگم شده و نمی‌داند که چه کاری باید بکند تا بتواند از این مهلکه نجات پیدا کنند. امریکایی‌ها وارد افغانستان شده‌اند که برای مدت زمان طولانی در این کشور بمانند و برنامه‌ها و سیاست‌های از پیش طراحی شده خودشان را در این کشور پیاده کنند. برای واشنگتن اصل خود افغانستان نیست، بلکه کشورهای دیگر منطقه است که باید قدرت نظامی و اقتصادی‌شان تضعیف شود.

با توجه به اینکه خروج نیروهای این کشور از افغانستان شرط اصلی طالبان برای توافق نهایی با امریکاست، آیا ترامپ حاضر می‌شود بخشی از نیروهایش را از افغانستان خارج کند؟

امریکایی‌ها این مذاکرات را به دست خواهند گرفت و در آینده نزدیک مشخص خواهد شد که در کدام کشور برگزار می‌شود. در ارتباط با خروج نیروهای امریکا از افغانستان، اگر تصور کنیم که خروج کاملی انجام خواهد شد، این مسئله اتفاق نخواهد افتاد. هر چند ممکن است ۸ هزار نیروی نظامی از افغانستان خارج شوند، اما ۸ هزار مشاور نظامی بار دیگر به افغانستان وارد خواهد شد. در نهایت، به این خاطر که اگر فرض کنیم آنگونه که طالبان می‌خواهند مذاکرات به نتیجه برسد، صرفاً به این خاطر است که بگویند امریکا به خواسته طالبان عمل کرده است، شاید در ظاهر این کار را بکند اما در مقابل، بیش از تعداد نیروهای خارج شده، نیروهای سیاسی و نظامی دیگری به افغانستان اعزام خواهند شد.

در شرایط کنونی، خارج شدن امریکا از افغانستان قابل پیش‌بینی نیست مگر اینکه در افغانستان یک نهضت ملی در این کشور صورت بگیرد که بتواند نیروهای امریکایی را وادار به خروج بکند. اما فعلاً چنین حرکتی در بین مردم افغان مشاهده نمی‌شود، زیرا در ۱۸ سال گذشته امریکایی‌ها در سطح افکار عمومی و لایه لایه مردم افغانستان کار کرده و این ذهنیت را جاانداخته‌اند که حضور امریکا در افغانستان ضروری است و اگر نیروهای خارجی نباشند، افغانستان به دهه‌های قبل برمی‌گردد و قتل و خونریزی بار دیگر در این کشور حاکم خواهد شد و این امر خلاف واقع را در بین مردم شایع کرده‌اند.

ملابرادر، رئیس دفتر سیاسی طالبان اخیراً در تهران با محمدجواد ظریف دیدار کرد. قبلاً هم ملاقات‌هایی بین مقام‌های ایرانی با نمایندگان طالبان انجام شده بود. هدف این ملاقات‌ها از طرف طالبان چه می‌تواند باشد؟

سه احتمال در این زمینه وجود دارد. اول، طالبان برای اینکه دست برتر را در مذاکرات با امریکا داشته باشند هر از گاهی گفت‌وگوهایی با مقامات روسیه، چین و ایران انجام می‌دهند تا به امریکایی‌ها بفهمانند که اگر مذاکرات را لغو کنند، کشورهایی در منطقه وجود دارند که می‌توانند با آنها مذاکره کنند و نتایج مطلوبی به دست آوردند و جنگ علیه منافع امریکا در افغانستان را تشدید کنند و تلاش می‌کنند با این مذاکرات، امریکایی‌ها را بترسانند.

دلیل دوم، ممکن است در اثر مذاکرات با امریکا، طالبان به نتایجی دست پیدا کنند و وارد قدرت شوند و طبیعی است که حسن‌نیت ایران به عنوان قدرت منطقه‌ای ضروری است. اگر در افغانستان، حسن نظر ایران از طرف جریان‌های سیاسی و دولت کسب نشود، روند مطلوبی که مدنظر است به وجود نخواهد آمد. ایران همواره به دنبال صلح و امنیت در افغانستان بوده و تا کنون نگاه منفی نسبت به مسائل افغانستان نداشته است. در بحث عدم برقراری صلح افغانستان کافیست که ایران نظاره‌گر مسئله باشد و هیچ دخالتی در برقراری صلح در افغانستان انجام ندهد که در این صورت هیچ صلحی به وجود نخواهد آمد.

دلیل سوم، طالبان از زمانی که در افغانستان حاکم بودند و بعد از آن، این موضوع را به خوبی درک کرده‌اند که اگر ایران نقش جدی در گفت‌وگوهای صلح نداشته باشد، صلح برقرار نمی‌شود و این مسئله را امریکایی‌ها می‌دانند. به همین خاطر تلاش کرده‌اند تا در اجلاس چین که اخیراً برگزار شد نماینده‌ای از ایران حضور داشته باشد، اما ایران چون مشاهده کرد که دولت افغانستان به عنوان محور اصلی در اجلاس چین نماینده ندارد، حاضر نشد در آن شرکت کند و تا کنون هم نظر خود را اعلام نکرده و شاید در آینده هم در چنین اجلاس‌هایی مشارکت نکند، اگر هم شرکت بکند، نظر ایران در این اجلاس‌ها مطرح می‌شود. چون دولت افغانستان به عنوان طرف اصلی در اینگونه نشست‌ها حضور ندارد، به همین خاطر بحث صلحی در کار نخواهد بود. بر این اساس، طالبان به ایران آمده‌اند و این ملاقات‌ها تازگی ندارد و در گذشته هم وجود داشته و گفت‌وگوهای اخیر در ادامه همان دیدارهای قبلی انجام شده است.

بین طالبان دهه ۱۹۹۰ و طالبان کنونی چقدر تفاوت اندیشه‌ای در این دو مقطع تاریخی وجود دارد؟

بستگی دارد که طالبان چقدر مستقل و مطابق اسلام و منافع مردم عمل کند. اگر این معیارها را رعایت کند، می‌تواند در افغانستان دولت و حاکمیت تشکیل دهد و بدون افراط و تفریط حقوق همه مردم را در نظر بگیرد و بر اساس اصول کشورداری و طبق دیدگاه اسلامی عمل کند. در این صورت، نه تنها با ایران اختلافی نخواهد داشت بلکه از منظر دینی با ایران همسو و هم‌نظر خواهد بود. اما اگر طالبان مثل گذشته متأثر از سازمان اطلاعاتی پاکستان (آی اس آی) و سازمان سیا باشد، از نظر محتوای فکری و امنیتی فرقی با گذشته نخواهد داشت و تنها از لحاظ ظاهری در رفتار و اعمالش تغییراتی ایجاد خواهد شد اما از نظر محتوا تغییری به وجود نخواهد آمد و همچون گذشته رفتار افراط‌گرایانه علیه ایران در پیش خواهد گرفت.

سفر ترامپ به افغانستان با چه هدفی انجام شده است. آیا این سفر مخفیانه در ارتباط با صلح افغانستان انجام شده یا اینکه صرفاً برای حضور در پایگاه بگرام و ملاقات با سربازان بود؟

گاهی مقامات امریکایی به افغانستان سفر می‌کنند، چون افغانستان برای امریکایی‌ها استراتژیک است و اهمیت آن بیش از سوریه و عراق است. عراق و سوریه به لحاظ منابع نفتی و همچنین تأمین امنیت رژیم صهیونیستی برای امریکا اهمیت دارند اما در پیرامون افغانستان، چهار کشور رقیب امریکا، یعنی روسیه، چین، هند و ایران قرار دارند که بر اساس برآوردهای مقامات واشنگتن در آینده نزدیک قدرت اقتصادی از غرب به شرق و به ویژه به این چهار کشور منتقل خواهد شد. بنابراین، امریکایی‌ها طرح‌های گسترده و عمیقی دارند و اتاق‌های عملیاتی نرم و سخت در افغانستان تشکیل داده‌اند و برای رسیدن به این هدف، باید در افغانستان حضور داشته باشند. اینکه ترامپ مخفیانه و چراغ خاموش به افغانستان سفر می‌کند به این خاطر است که از ناامنی‌هایی که وجود دارد، واهمه دارد. طی ۱۸ سال گذشته از اشغال افغانستان، امریکا و متحدانش نه تنها نتوانسته‌اند امنیت در افغانستان را تثبیت کنند بلکه ناامنی‌ها را هم تشدید کرده‌اند. بنابراین، امریکایی‌ها از طرف گروه‌های داخلی افغانستان و از خطرات خطوط پروازی منطقه‌ای از ناحیه روسیه و ایران احساس نگرانی دارند و به همین منظور، مخفیانه به افغانستان سفر می‌کنند.

طالبان برای اینکه دست برتر را در مذاکرات با امریکا داشته باشد هر از گاهی گفت‌وگوهایی را با مقامات روسیه، چین و ایران انجام می‌دهد تا به امریکایی‌ها نشان دهد اگر مذاکرات را لغو کنند، کشورهایی در منطقه وجود دارند که می‌توانند با آنها مذاکره کنند و نتایج مطلوبی را به دست آورند و جنگ علیه منافع امریکا در افغانستان را تشدید کنند